

حدیث روز:
امام سجاد(ع):
خدایند هر قلب محزون و هربنده شکرگزار را دوست دارد

پلک احساس:
سعدی
بلا و رحمت امروز بر دل درویش
از آن خوش است که امید رحمت فرداشت

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۱۵
اذان مغرب: ۱۸/۲۳
اذان صبح (فردا): ۵/۳۰
غروب آفتاب: ۱۸/۰۴
نیمه شب شرعی: ۲۳/۳۳
طلوع خورشید(فردا): ۶/۲۶

شایه: ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵-۳۴۳۷
پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ | ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۳۴۱ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان ها ۵۰۰ تومان | Thursday - 2019 Mar 7

تهران: ۱۴ / ۴
سمنان: ۱۴ / ۴
ساری: ۱۴ / ۶
بیرجند: ۱۷ / ۳
بوشهر: ۲۲ / ۱۳
اردبیل: ۲ / -۴
اراک: ۱۰ / ۱
تهران: ۱۲ / ۴

پیش بینی
آب و هوا
جمعه

امروز در تاریخ:

❗ بروز قحطی در ایران در جریان جنگ جهانی اول (۱۲۹۶ش)
❗ ترور سپهبد رزم آرا، نخست وزیر محمدرضا پهلوی توسط جمعیت فدائیان اسلام (۱۳۲۹ش)
❗ درگذشت احمد عزیزی، شاعر معاصر (۱۳۹۵ش)

حکمت ۵:
❗ از دست دادن دوستان غربت است.

داستان
مرد قاتل
و چارچوب های حقوقی

❗ در زمان جهاندراشاه سوم مردی مرتکب قتل شد. قاتل را همراه فرزندان مقتول نزد جهاندراشاه آوردند تا درباره او حکم کند. جهاندراشاه به قاتل گفت: چرا او را کشتی؟

مرد قاتل گفت: مرا فوش داد. جهاندراشاه گفت: اعدامش کنید تا کسی نگوید در عهد جهاندراشاه بخاطر فروش آدم می کشند. فرزندان مقتول گفتند: ایول.

مرد قاتل گفت: من بدهی دارم که باید بپردازم. مراسم روز مهلت دهید. جهاندراشاه گفت: کارت به کارت کن. مرد قاتل گفت: شماره کارتش را ندارم. جهاندراشاه گفت: از او بپرس.

مرد قاتل گفت: وسایل ارتباطی مدرن هنوز اختراع نشده اند. جهاندراشاه گفت: ضامن معرفی کن. چه کسی ضمانتت را می کند؟

مرد قاتل به اطرافیان شاه نگاه کرد و در میان آنان مردی را دید که قیافه اش بسیار شبیه اشخاص اسکل بود. به او اشاره کرد و گفت: این مرد.

جهاندرا شاه از آن مرد که مسؤول روابط عمومی دربار بود و اسپندارخان نام داشت، پرسید: ضمانت او را می کنی؟ اسپندارخان گفت: می کنم.

جهاندراشاه گفت: اگر بازگشت تو را اعدام می کنیم. اسپندارخان گفت: باشه. جهاندراشاه به مرد قاتل گفت: تو را مهلت دادیم. برو بدهی ات را بپرداز و سه روز بعد بازگرد.

سه روز بعد، چند لحظه مانده به غروب، مرد قاتل، خسته و مانده بازگشت و خود را به مسؤول اجرای حکم معرفی کرد. جهاندراشاه رو به مرد قاتل کرد و گفت: می توانستی بزرگداری چارگیربشتی؟

مرد قاتل گفت: ترسیدم بگویند وفای به عهد مرده است.

جهاندراشاه گفت: به به، چه حکمت آمیز. سپس از اسپندارخان پرسید: تو او را نمی شناختی. چرا ضمانتش را کردی؟

اسپندارخان گفت: ترسیدم بگویند مهربانی و اعتماد مرده است. جهاندراشاه گفت: اوففف، چه پنداموز و خاموش شد.

مرد قاتل گفت: جا دارد شما نیز ترسیدید بگویند عفو و بخشش مرده است و مرا ببخشید. جهاندراشاه گفت: شرمنده. شاکتی خصوصی داری. اعدامش کنید و اعدامش کردند.

و به این ترتیب، دیگر کسی نگفت وفای به عهد، مهربانی و اعتماد و چارچوب های حقوقی مرده اند و در عهد جهاندراشاه سوم بخاطر فوش آدم می کشند. ❗

ساخت اسپیکر
مخصوص اسکی بازان

يك شرکت آمريكايي نوعی اسپيكر ارائه كرده كه داخل كلاه اسكي قرار می گیرد و امکان صحبت باتلفن همراه را هنگام اسكي برای کاربر فراهم می كند. به گزارش ایسنا، این اسپيكر كه داخل كلاه اسكي تعبیه می شود، امکان گوش دادن به موسيقي و صحبت كردن با تلفن همراه را هنگام اسكي برای کاربران فراهم می كند. از آنجا كه اسپيكرها با كمك يك اپليكيشن به تلفن همراه کاربر متصل می شوند، نیازی نیست كه کاربر برای صحبت كردن، كلاه خود را بردارد. باتری قابل شارژ این اسپيكرها، كارایی آنها را تا ده ساعت تضمین می كند. ميكروفن داخلی متصل به این ابزار نیز به کاربر امکان می دهد به راحتی مكالمات خود را برقرار كند. نکته منفی اسپيكرها این است كه موقعیت دقیق کاربر و مكالمات او را فاش كرده و امنیت لازم در مورد حریم شخصی کاربر را فراهم نمی كند.

❗ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدير، شماره ۱۳۹
❗ تلفن: ۰۲۱ - ۲۳۰۰۴۰۰۰
❗ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
❗ سازمان شهرستان ها: ۴۵۸۹۷
❗ کد پستی: ۱۹۱۶۱۸۴۱۳۰
❗ امور مشترکین: ۴۴۶۲۹۳۰
❗ سازمان آگهی ها: ۲۳۰۴۳۲
❗ پیامک: ۳۰۰۱۱۲۴۰
❗ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
❗ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان ها (چاپخانه های روزنامه جام جم)

سمنان: ۱۴ / ۴
ساری: ۱۴ / ۶
بیرجند: ۱۷ / ۳
بوشهر: ۲۲ / ۱۳
اردبیل: ۲ / -۴
اراک: ۱۰ / ۱
تهران: ۱۲ / ۴



پنج ساعت از بچه مراقبت می کنند، حالا مصطفی مریض بود و مادرم فقط از قاب عکس پدرم خواست ده دقیقه از مصطفی مراقبت کنند. همین! مادرم از آن به بعد، همیشه جان پدرم را قسم می خورد.

❗ پدرها شبیه هم نیستند
از بیرون خانه که بگویم حرف های گفتنی زیاد است، از هر چیزی می شود گفت اما دلم می خواهد از درد دل بچه های شهدا بگویم، درد دل کوچکی که نهایتاً به اندازه یک سنگ قبر است.

سنگ قبرها برای خیلی ها معنای خاصی ندارند، اما برای بچه های شهدا حکم پدر را دارند، از بچگی یاد می گیرند پدر همین سنگ صبور است، پدر همین سنگی است که عیدها اول از همه صورتش را می بوسند و در آغوش سردش آرام می گیرند. سنگ قبرها برای ما بزرگ می شوند، پیر می شوند ولی نمی نمند. همین سنگ قبرهایی که بدون هماهنگی در شرف تخریب بودند و اسم “همسان سازی” را روی این کار گذاشته بودند! یکی نبود بپرسد مگر همه پدرهای شما شبیه هم هستند که پدرهای ما شبیه هم باشند؟! اگر فرمان رهبری نرسیده بود این قصه ادامه داشت، باز هم خدای را شکر که آدم ها مثل هم نیستند و بعضی ها دغدغه دارند. ❗



جنگ پرتقالی در ایتالیا

ایتالیایی ها در شهر ایوریا در شمال این کشور به رسم هر سال جشنواره سه روزه جنگ پرتقال را برگزار کردند. به گزارش ایلنا، هزاران نفر از مردم ایتالیا در جشنواره سالانه جنگ پرتقال که در شهر ایوریا در شمال این کشور برگزار شد، شرکت کردند. این جشنواره به افسانه ای مربوط به بارونی با يك دختر دهقان در شب ازدواج او رخ می دهد. جنگ پرتقال هر سال هزاران گردشگر را به این شهر می کشاند.

شیوه برگزاری این رویداد این گونه است که دو گروه در این جنگ حضور دارند: يك گروه پرتاب كننده پرتقال های كنديده سوار بر ارابه و گروه ديگر پياده هستند. بر اساس پيشينه این جشنواره، پرتاب كنندگان پرتقال سوار بر ارابه در واقع محافظان مسلح نجيب زادگان و مردم پياده، نماد افراد شورشى هستند.

چند روز قبل از جشنواره حدود ۵۰۰ تن پرتقال با كيفيت پايين از بخش های جنوبی ایتالیا به شهر ۲۵ هزار نفری ایوریا برای استفاده در این جشنواره فرستاده شد.

کافه
میرداماد



كس نمی تواند و نباید از این قاعده مستثنا باشد. باید راه چاره را در خود مردم دید؛ همین مردمی که با این همه سختی، باز هم تمام قد پشت نظام ایستاده اند. وای به روزی که همین مردم پشت مردم را خالی کنند.

❗ من به راستگویی مادرم ایمان دارم
خیلی حرف ها گفتنی نیست، اما آنچه باید از خانه بدانید سایه پدر است که نیست، که هست و نیستت مادرم قسم می خورد که يك روز پدرم از توی قاب بیرون آمد و تن مصطفی (برادرم) را از تب مرگ بیرون کشید. آن روزها خیلی کوچک تر از آن بودم که معنای رویای صادقه را بفهمم، اما وقتی مادرم “جان پدرم” را قسم می خورد می دانم که راست می گوید، حتی اگر خواب دیده باشد که پدرم با موتور آمد، مصطفی را بغل کرد و شفاي او را گرفت، بعد با مصطفی عكس یادگاری گرفت و رفت. این تنها عكسی است که پدرم با مصطفی دارد و ندارد.

من به راستگویی مادرم ایمان دارم، مادرم گفت پدرت از توی قاب بیرون آمد. آن هم درست وقتی که ده دقیقه به اذان صبح مانده بود. می گفت آن لحظه یاد حرف همکارش افتاده بود که می گفت وقتی بچه ها مریض می شوند با همسرش پنج ساعت به

گفت وگو با محمد مهدی همت فرزند ارشد شهید همت در سالروز شهادت پدر

جنگ نباید برگردد ما باید به جنگ برگردیم

❗ جنگ نباید برگردد؛ ما باید به روزهای جنگ برگردیم

این روزها که صدای مردم را می شنوم دلم بیش از پیش می شکند، همیشه با خودم فکر می کنم کدام يك از پیچ های تاریخ را اشتباهی پیچیده ایم که اوضاع اینقدر به هم پیچیده شده است؟ همیشه فکر می کنم که خواب می بینم، فکر می کنم که ما هنوز بیدار نشده ایم و نمی فهمیم که چه بر سر خودمان می آوریم! سختی این روزها را که با خاطره ها و تگ نگاری های پدرم مقایسه می کنم برابر می بینم. احساس می کنم دشمن از پشت خنجر زده و می زند. احساس می کنم اول باید به خودمان برگردیم.

هیچ کس دوست ندارد دوباره جنگ روی شهرها سایه بپاندازد، اما هرکس آن روزها را (هرچند اندک) به خاطر داشته باشد می فهمد که در قلب هایمان

چقدر خوب بودیم. ما با خون صورت هایمان را رنگ کرده بودیم که زنگار بر چروک پیشانی هایمان ننشیند، غافل از اینکه سال ها گذشت و از تو زنگ زدیم، موریانه چنان به قلب خانه رخنه کرد که شب ها خواب نداریم.

جنگ نباید هیچ گاه برگردد، اما تنها راه حل ما بازگشت به جنگ است. ما باید به روزهای جنگ برگردیم تا زندگی روی خویش را به مردم نشان بدهد. ما باید پیراهن های خاکی را از گنجه ها بیرون بیاوریم و اول از همه با خودمان بجنگیم. ما باید رویه روی خودمان بایستیم و در مقابل خودمان ایستادی کنیم. در این راه هم هیچ الگویی مثل شهدا پیدا نمی کنید.

❗ حاج قاسم شبیه پدرم است
يك بار در دیدار رهبری پیش از خدا حافظي، فرمودند

رونمایی از سیاه سوپرلوکس

استون مارتین لاگونا نمونه مفهومی خودروی الکتریکی SUV است که در نمایشگاه خودرو ژنو رونمایی شد. به گزارش خبرنگاران، صندلی های تهاجمی متفاوت و البته پرطرفدار، کلید شناور مغناطیسی و طرح اسپارتر، بخشی از ظاهر استون مارتین الکتریکی



توفان های یخی با نیاگارا

چه کرد؟

هفته پیش مناطق غربی و شمال شرقی ایالات متحده توفان زمستانی را تجربه کرد و آخر هفته، آبشار نیاگارا به سرزمین عجایب یخ زده تبدیل شد.

به گزارش خبرنگاران، دمای هوای زیر صفر درجه، تجربه ای منحصر به فرد برای بازدیدکنندگان این ناحیه است، چرا که می توانند در این زمان بخشی از آبشار نیاگارا را به صورت کاملاً یخ زده مشاهده کنند.

برخی از بازدیدکنندگان با دیدن این ناحیه، آن را به صحنه یخ زده دیزنی تشبیه می کنند. این نخستین بار نیست که دمای هوا در این منطقه به این اندازه کاهش پیدا می کند. ژانویه سال پیش، نیاگارا چشم اندازی فوق العاده از زمستان را به جهانیان نمایش داد و به منطقه شگفت انگیزی تبدیل شد و چشم همگان را به خود خیره کرد.

فوریه ۲۰۱۸، عکاسی به نام Adam Klekota از این صحنه ها عکاسی کرد و تصاویر سوررئال فوق العاده ای را به نمایش گذاشت.



عکس: تسنیم

کودکان همدانی با لباس های محلی در مراسم روز درختکاری شرکت کردند